

اسلام دين ترور نيست!

مؤتم و ديژين : الحاج سليم عابد « پيمان »

Peace

Ketabton.com

۱۳۹۵



تتبع و نگارش :

الحاج امين الدين « سعیدی - سعید اشغاني »

مدیر مرکز مطالعات ستراتژیک افغان

و مسؤول مرکز فرهنگی د حق لاره - جرمنی

اسلام دین ترور نیست!

بسم الله الرحمن الرحيم اسلام دین ترور نیست!

اگر ارشادات قرآنی، و هدایات و دساتیر پیامبر بزرگ وار اسلام حضرت محمد صلی الله علیه وسلم بطور دقیق، همه جانبه، بیطرفانه و منصفانه مورد تحلیل و ارزیابی قرار گیرد، بوضاحت تام در خواهیم یافت که دین اسلام دین صلح و دین رحمت بوده، و در هیچ زمانی دین تروریست نبوده و نخواهد بود.

پیامبر محمد صلی الله علیه وسلم برای گسترش صلح، آرامش و رحمت مبعوث گردیده است. طبیعتاً دینی که اساس آن رحمت باشد، پیامبر آن نیز باید پیام آور رحمت و صلح باشد. «وما ارسلناک الا رحمة للعالمین» (سوره انبیاء: ۱۰۷) (وما تورا جزء مایه رحمت برای جهانیان نفرستادیم).

همچنان پیامبر اسلام محمد صلی اله علیه وسلم در این مورد می فرماید: (و أنا نبی الرحمة) (ترمذی، ۲۰۶) و (انما انا رحمة مهداة) (ابن کثیر: ۳ / ۲۲۱). در روایات اسلامی آمده است بعد از اینکه مسلمانان به فتح عظیم - فتح مکه - نایل گردیدند. و مسلمانان جوقه جوقه وارد شهر مکه میگردیدند یکی از صحابه کرام (سعد بن عباده) که بیرق فتح را بدست داشت شعار میداد: (الیوم یوم الملحمة ...) (امروز روز شفقت و بخشش است).

همچنان در تاریخ اسلام آمده است: که صحابه کرام بعد از همه تجاوزات و اهانت های که مشرکان مکه علیه پیامبر صلی الله علیه وسلم و اصحابش، روا داشتند. به نزد پیامبر اسلام عرض داشتند: یا رسول الله! در حق این قوم نفرین بفریست تا از شر آن نجات یابیم. ولی پیامبر اسلام در جواب صحابه کرام فرمود: « انی لم ابعث لعاناً و انما بعثت رحمة » (ابن کثیر تفسیر القرآن العظیم: ۳ / ۲۱۱) (برای نفرین کردن فرستاده نشده ام بلکه برای رحمت فرستاده شده ام). واقعاً هم روش پیامبر اسلام، روش عفو و گذشت روش رحمت و مرحمت بود.

عسقلانی در کتاب خویش فتح الباری روایتی دارد: میگویند محمد صلی الله علیه وسلم به قاتل کاکا ی خویش سید الشهداء همزه که در جنگ احد توسط (غلام حبشی) به شهادت رسانیده شد، و سینه مبارک اش توسط این غلام حبشی پاره و توسط هنده به دندان پاره شد و برخورد وحشیانه و غیر انسانی صورت گرفت. این عمل سبب تأثر شدید تمام مسلمانان و شخص آنحضرت محمد صلی الله علیه وسلم گردید. اما زمانیکه فتح مکه صورت گرفت و این قاتل حضرت همزه (سیدالشهدا) را نزد پیامبر صلی الله علیه وسلم حاضر کردند، پیامبر اسلام به همین قاتل کاکا ی خویش و اولین سپهسالار اسلام فقط همین قدر میگوید: (از پیش چشمانم دور شو که ترا نبینم). روایات وجود دارد که همین قاتل حضرت همزه تا آخر در مکه به امن و آمان زندگی میکرد. این است نمونه ترحم و این است نمونه شفقت اسلامی (الله اکبر).

پایه و ستون شریعت اسلام را صلح، رحمت و عدم خشونت، تشکیل میدهد. قرآن عظیم الشان و سنت پیامبر اسلام بر اصل صلح و رفتار مسالمت آمیز تأکید نموده و همه هدایات اش بر این اصل نیز استوار میباشد.

اسلام دین ترور نیست!

قرآن عظیم الشان اعراب جاهلیت را که با جنگ و خون ریزی عادت کرده بودند، در اولین پیام خویش آنان را به صلح دعوت نموده و خطاب به آنان می فرماید: « **وإن جنحوا للسلم فاجنح لها وتوكل على الله** » (سوره انفال : ۶۱) (چنان چه برای صلح آغوش گشودند ، تو نیز برای صلح آغوش بگشای).

دین اسلام حتی در میدان جنگ و نبرد هم خواهان صلح و آشتی است : « **ولا تقولوا لمن ألقى إليكم السلم لست مؤمناً** » (سوره نساء : ۹۴) (به آن که با شما از در آشتی و تسلیم در آید مگویید که بی ایمان است) . مفسرین بر این عقیده اند که : اگر کسیکه با مسلمانان در حال نبرد ، اقدامی صلح جویانه بکند ، بر مسلمانان واجب است تا در مقابل آن به جواب مثبت بپردازد و از جنگ دست بردارد . (قرطبی ، الجامع لاحکام القرآن : ۱۴۰۵ : ۳۳۶ / ۵ والشوکانی فتح القدير : ۱ / ۵۰۱۱۴).

داستان هابیل و قابیل در قرآن عظیم الشان یکی از نمونه عالی صلح و آشتی در دین مقدس اسلام بشمار میرود . زمانیکه قابیل برادر خویش را تهدید به مرگ کرد، هابیل در جواب اش پیام آشتی و صلح را در پیش گرفت : « **لئن بسطت إلي يدك لتقتلني ما أنا بباسط يدي إليك لأقتلك إني أخاف الله رب العالمين** » (سوره مائده : ۲۸) (اگر تو دست به گشتن من بزنی من دست به گشتن تو نمی زنم . من از پروردگار جهانیان می ترسم).

سلام (صلح) یکی از نام های پروردگار میباشد : « **هو الله الذي لا اله هو الملك القدس السلام...** » (سوره الحشر : ۲۳) (اوست خداوندی که خدایی جز او نیست ، فرمانروای قدوس سلام ...)

قرآن عظیم الشان یکهزار و چهارصد سال قبل شعار صلح جهانی را بری عالم بشریت مژده داده و می فرماید : « **يا ايها الذين امنوا ادخلوا في السلم كافة ولا تتبعوا خطوات الشيطان ...** » (سوره بقره : ۲۸) (ای کسانی که ایمان آوردید همگی در صلح در آید و از پیروی راه شیطان پرهیزید ...)

قرآن کریم التزام مسلمانان را به صلح و امنیت با زیبایی خاص خویش چنین بیان میدارد : « **فان اعتزلواكم فلم يقاتلواكم والقوا اليكم السلم فما جعل الله لكم عليهم سبيل** » (وقتیکه از شما دست بردارند و با شما سر جنگ نداشته باشند و بخواهند از در آشتی با شما پیش آیند . خداوند راهی را برای شما علیه آنان قرار نداده است) (سوره نساء : ۹۰) . بر این اساس و حکمت است آیاتی که دلالت بر صلح و آشتی را دارد. نسخ نشده است و جنگ و مبارزه زمانی رواست که صلح خواهی وجود نداشته باشد.

اصطلاح (سلام) (صلح) و مشتقات آن در پیش از یک صد آیه از قرآن عظیم الشان بکار رفته است . و بالعکس اصطلاح (جنگ یا حرب) و مشتقات آن به جز در شش آیه از قرآن کریم تذکر یافته است . (الترمذی ، بخش الشماثل المحمديه)

پیامبر اسلام محمد صلی الله علیه وسلم از جمله اولین شخصیتی در عالم بشریت است که به دیپلوماسی واقعی صلح جویانه اقدام بعمل می آورد ، سفیران و هیات های سیاسی و دیپلماتیک خویش را برای تاسیس و برقراری روابط مسالمت آمیز نزد دولت ها و امپراتوری زمان خویش گسیل داشته است . که از جمله میتوان از ارسال نامه های صلح آمیز به پادشاهان مصر ، پیزانس ، حبشه ، فارس و غیره ... نام برد.

اسلام دین ترور نیست!

« سلام » مشتق از «سلم» ، (سلام) است اصطلاح (السلام علیکم ورحمة وبرکاته) و (علیکم السلام ورحمة وبرکاته) کلمات است که روزانه به میلیون ها مسلمان از طی قلب آن را بزبان جاری می سازد .

که در این اصطلاحات عالترین مفاهیم صلح و دوستی محبت و اشتی نهفته است . همچنان توجه نموده باشید که مسلمانان زمانیکه نام پیامبر اسلام حضرت محمد صلی الله علیه وسلم و یا نام سایر پیامبران بزبان آورده میشود عبارت (علیه السلام) حتماً در جنب آن اضافه میشود .

مسلمانان همه روزه نماز های پنج گانه خویش را به عالترین شعار صلح ، دوستی ، محبت و رحمت به شعار : (السلام علیکم ورحمة الله وبرکاته) به پایان میرسانند . مؤرخین مینویسند که پیامبر اسلام محمد صلی الله علیه وسلم قبل از هجرت زمانیکه در مکه زندگی میکرد هیچ وخت به عملیات نظامی و امور حربی مشغول نشده بود . ولی زمانیکه به مدینه منوره مجبور به هجرت شد ، و در آن دیار باز هم مسلمانان مورد آزار و تجاوز قرار متعدد و غیر انسانی قرار گرفتند ، جهاد بر مسلمانان فرض گردید ، همان بود که مسلمانان بخاطر دفاع از خود ، بخاطر دفاع از دین و عقاید خویش ، بخار دفاع از نوامیس خود و در نهایت بخاطر دفاع از حکومت و زندگی خویش ، دست به مبارزه مسلحانه و دفاعی زدند ، تجاوز را مسلمانان آغاز نه نموده ، بلکه دیگران بودند که تجاوز را بر مسلمانان تحمیل داشته بودند .

در احادیث متبرکه تذکر رفته است که: پیامبر اسلام حضرت محمد صلی الله علیه وسلم زمانیکه گروپ های حربی و نظامی خویش را به سوی جبهات دفاعی اعزام میداشت اکیداً به ایشان هدایت میفرمود : « ... ولا تقتلوا شیخاً فانیاً ولا طفلاً صغیراً ولا امرأة ولا تغلوا واصلحوا واحسنوا ان الله یحب المحسنین » (الشامي ۱۳۱۴ : ۶ / ۷)

(موسفیدان ، پیرمردان ، اطفال و زنان را بقتل نرسانید ، خیانت نکنید ، صلح را در پیش گیرد ، نیکی کنید ، که پروردگار نیکو کاران را دوست دارد) . این است عظمت اسلام این است زعامت عالم بشریت که همه فرمود هایش بر مفاهیم صلح ، مرحمت ، و عطف استور بوده و پیروان خویش را به امر مقدس صلح دعوت نموده است . و تهمت های قتل ، ترور از جمله شعار های است که دشمنان اسلام به منظور لکدار شدن اسلام به آن دامن میزنند .

همه مفسران ، دانشمندان و فقهای اسلام بر این باور و عقیده اند که اصل در روابط مسلمانان با دیگران بر صلح و مرحمت مبتنی است ، و جنگ یک وضعیت عارضی است که بر دفع تجاوز و پشتیبانی از دعوت اسلامی ضرورت می یابد و در آن سیطره و غلبه بر دیگران جایی ندارد .

از ابن تیمیه (رحمة علیه) نقل شده است که می فرماید : (جنگ با آنانی رواست که با ما بر سر عمل کردن به دین می جنگند) اسلام با آنانی که خواهان صلح اند ، صلح می کند ، دین اسلام سر جنگ را ندارد ولی با کسانی که با مسلمان وارد جنگ شوند و یا مانع دعوت مسلمانان گردد به آنان به مبارزه بر می خیزد . جهاد با حجت و بیان با توسل به زور مقدم است .

محمد عبده می گوید : (خداوند جنگ را برای خون ریزی و گرفتن جان دیگران یا توسعه

اسلام دین ترور نیست!

نفوذ بر ما واجب نگردانیده ، بلکه جنگ را برای دفاع از حق و پیروان آن و حمایت از دعوت واجب کرده است.

مصطفی السباعی می گوید : (اصل در روابط ما با همه ملیت ها بر صلح ، ترك مخاصمه و جنگ و احترام عقاید ، آزادی ها ، اموال و ارزش ها دیگر ملل قرار دارد .) (القاسمی ، ظافر ، الجهاد والحقوق الدولیه فی الاسلام چاپ بیروت ، ۱۹۸۲ : ۱۸۷ و ۳۰۹)

عباس عقاد یکی از مشهور ترین دانشمندان و نویسندگان مصری کتابی در رد افتراء علیه اسلام تحت عنوان (حقائق الاسلام و آبا طیل خصومه) تدوین داشته است . نویسنده در بخش از کتاب خویش : در باره نسبت دادن شمشیر با اسلام مینویسد (تاریخ دعوت اسلامی به اثبات رسانیده است : که مسلمانان پیش از آن که قادر باشند آزار و شکنجه مشرکان را از سر راه خویش درو نمایند ، خود قربانی خشونت ها و شکنجه مشرکان قرار گرفتند . از خانه و کاشانه خویش بیرون رانده شدند و راه حبشه را در پیش گرفتند و در نهایت به آن سر زمین پناه بردند . مسلمانان هیچ گاه به زور متوسل نشدند مگر در برابر زور که منطبق نمی پذیرد . هر گاه به مسلمانان تعرض نشود ، از آنان بدی سر نزده است ، بر خورد مسلمانان با دولت حبشه مبین چنین واقعیت است . در جزیره العرب جنگی میان مسلمانان و قبایل عرب در نگرفت جز آن که ما هیت دفاعی داشت یا هدفی پیشگیرانه در بین بود . حق شمشیر برابر با حق زندگی است . هر جا اسلام دست گرفتن شمشیر را لازم دانسته است از باب اضطرار و برای حق در زندگی بوده است . حق زندگی در اسلام یعنی حق آزادی در دعوت و عقیده ... اگر به نقشه فعلی جهان نظر به اندازیم در خواهیم یافت که شمشیر جز در اندک مواردی موجب نفوذ اسلام در جهان نشده است . سر ز مین های که جنگ در آن کمتر روی داده است بیشترین باشند کان شان مسلمان اند . که نمونه بارزی آن کشور های چون اندونیزیا ، هند و چین ... و غیره میتوان نام برد .

بر این اساس ، طبق حقوق اساسی اسلام ، رابطه میان ملتها بر روابط مسالمت امیز مبتنی است و توسل به جنگ در اسلام به واقع دفاع در برابر جنگی است که آتش آن را دیگران روشن ساخته اند . اسلام در مفهوم کلی از دو کلمه : (دین و صلح) ترکیب یافته است . (العقاد ، عباس محمد ، حقایق الاسلام و باطیل خصومه ، ۱۹۶۶ : ۳۰۰ - ۳۰۹) داکتر زحیلی می گوید :

جنگ با ملل غیر مسلمان که با مسلمانان دشمنی ندارند و آنان را در عمل به دینشان آزاد می گذارند روانیست و نباید روابط مسالمت امیز با آنان را قطع کرد ، زیرا اصل بر صلح است . (الزحیلی ، وهبة العلاقات الدولیه فی الاسلام مقارنة با لقانون الدولي الحديث ۱۹۹۷ : ۱۰۲) .

بنابر این گفته کسانی را که گویا : شریعت اسلامی در اغلب موارد ، شریعتی مبتنی بر جنگ و شمشیر است ، بر داشتی بی اساس بوده و به هیچ صورت با مفهوم و محتوی دین مقدس اسلام مطابقت نداشته ، ندارد و نخواهد داشت .

مشهور ترین آیه قرآن عظیم الشان که از آن در باره جنگ ذکر بعمل آمده است : (آیه : ۲۶ سوره توبه است :) « **وَقَاتِلُوا الْمُشْرِكِينَ كَمَا يُقَاتِلُوكُمْ كَافَّةً وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ مَعَ**

اسلام دین ترور نیست!

المتقین « در تفسیر این آیه متبرکه مفسرین مینویسند:

1 - هدف این آیه متبرکه حفظ حق حیات انسانی است. بر این اساس چنان چه دشمنان اسلام همگی قصد سلب حیات مسلمانان را پلان کنند، ضروری و لازمی و منطقی است که مسلمانان نیز به دفاع از حق خویش که حق مشروع است در برابر آنان ایستاده شوند و راه مقاومت را در پیش گیرند. و طوریکه به همه معلوم است که چنین دفاعی با فطرت انسانی نیز سازگار است.

2 - در آیه متبرکه آمده است: که چون آنان قصد جنگ با همه شما دارد، شما نیز با آنان کارزار جنگ کنید. بنابر این آنان هستند که به مسلمانان تعرض می کنند و مسلمانان نیز در جواب اقدام تجاوز کارنه دشمن با تمام توان با مقابله دعوت شده اند. در ادامه آیه متبرکه که از کمک و یاری پروردگار با اهل تقوا یادی بعمل آمده است، خود مبین رعایت اصول انسانی در جنگ است. (توضیح بیشتری موضوع را در تفسیر کبیر و تفسیر طباطبایی: ۲/ ۶۵ - ۶۸ و ۲۷/۹ میتوانید با جزئیات بیشتر مورد مطالعه قرار دهید.)

غزوات پیامبر صلی الله علیه وسلم:

اگر غزوات پیامبر صلی الله علیه وسلم بطور دقیق مورد تحلیل و مطالعه قرار گیرد در خواهیم یافت که همه غزوات پیامبر صلی الله علیه وسلم ما هیت دفاعی داشته و با اصل اصول صلح و مرحمت سازگار است.

غزوات اسلام به هدف اجبار مردم برای پذیرفتن دین جدید نبوده، زیرا دین در ما هیت خود اجبار را نمی پذیرد. همه در گیر های که در عصر رسالت صورت گرفته مقاومت بوده و هر کدام آن بر حسب شرایط و اقتضای خاص، هر در گیری به هدف دفاع از هویت اسلامی صورت گرفته است.

این مشرکان بودند که محمد صلی الله علیه وسلم و یارانش را از دیار شان بیرون کردند اگر یاران پیامبر صلی الله علیه وسلم را از خانه و کاشانه شان بیرون نمی راندند، و باز در مدینه علیه شان جنگ و تجاوز را روا نمی داشتند به هیچ صورت جنگی صورت نمی پذیرفت. ولی همین مشرکین مکه بودند که علیه مسلمانان در مدینه هجوم را براه انداختند و میخواستند پایتخت مسلمانان را در مدینه در براه انداختن جنگ های احد و احزاب نابود کنند. ولی سایر غزوات پیامبر صلی الله علیه وسلم که نام جنگ به ایشان گذاشته شده است، **جنگ نبوده بلکه حالات دفاعی بخود داشت و تقریباً میتوان آنرا شبیه جنگ مسمی ساخت تا جنگ به مفهوم واقعی آن.**

ما میتوانیم از روابط حسنه و مسالمت آمیز مسلمانان و دولت اسلامی شان با دولت حبشه در صدر اسلام یا آوری نمود.

علماء مینویسند (مسلمانان زمانی متوسل به زور شدند که دیگران با توسل زور مانع استقلال و آزادی آنان در عمل به دینشان شدند.) (العقاد عباس محمد، حقایق اسلام و ابا طیل خصومه، ۱۹۹۶: ۳۰۰ - ۳۰۵)

مفهوم جهاد در اسلام:

در این اواخر در وسایل اطلاعات جمعی جهان با آغاز سبک واهنگ جدید سوالاتی را مطرح میدارند و چنان تحلیل های را به سمع جهانیان، بدین عنوان میرسانند که: جهاد

اسلام دین ترور نیست!

را در جنگ مسلحانه خلاصه میکنند. حتی در قاموس های معتبر جهان به معنای جنگ مسلحانه خلاصه شده. در حالیکه جهاد انواع مختلف دارد و یک نوع آن مجادله مسلحانه است. جهاد به نفس، جهاد تنویری و آموزی خود و دیگران جهاد برای تفهیم و عام ساختن حق و

بلی باید گفت و تاکید کرد که جهاد را که دین مقدس اسلام بدان تاکید میدارد هدف از جهاد مجادله و تلاش بی حد برای خیر و راه درست است. **تأمین امنیت و تضمین حاکمیت و استقلال و دفاع از امت اسلامی است.**

جهاد برای استقرار صلح و حمایت از ادیان آسمانی فرض گردیده است. قرآن عظیم الشان این مطلب را با زیبایی خاص آن چنین تعریف مینماید:

(ولو لا دفع الله الناس بعضهم ببعض لهدمت صوامع وبيع وصلوات ومساجد يذكر فيها اسم الله كثيرا ولينصرن الله من ينصره ان الله لقوي عزيز) (سوره حج : ٤٠) (واگر خداوند بعضی از مردم را به دست بعضی دیگر دفع نمی کرد ، هم صومعه ها راهبان وهم معابد (مسیحسان) وهم عبادتگاه های (یهودیان) وهم مساجد (مسلمانان) که نام خداوند در آنها بسیار یاد می شود، ویران می گردید ، و خداوند توانای پیروزمند است). جهاد هیچ گاه مفهوم جنگی دینی برای وادار کردن دیگران برای پذیرش دین اسلام نداشته وندارد . چنین برداشتی به ماهیت ، روح و جوهر دین مقدس اسلام و روح هدیای قرآن عظیم الشان (لا اكره في الدين) که برای آزادی عقیده اعلان شده است ناسازگار ودر تضاد میباشد . (القاسمی ۱۹۸۲ : ۱۸۸)

در تاریخ زندگی پیامبر اسلام حضرت محمد صلی الله علیه وسلم دیده نشده که يك مسیحي را به این دلیل که اسلام را قبول نکرده است به قتل رسانده باشد . بلکه با لعکس پیامبر اسلام با مسیحسان نجران با اکرام برخورد کرده است وحتی برای آنان اجازه داده است تا در مساجد مسلمانان به عبادت خویش بپردازند.

مؤرخین بهترین دوران را مرحله دوساله صلح حدیبیه ، صلح که بین مسلمانان وقریش صورت گرفت یاد می نمایند . در این دوسال تعداد زیادی از مردم به دین اسلام مشرف شدند که تعدادشان بیش از تعداد کسانی است که قریب بیست سال از آغاز اسلام تا زمان عقد این پیمان مسلمان شده بودند . (الاسلام و منطق القوة : نویسنده فضل الله ۱۹۸۱ : ۲۱۱) .

چنانچه گفته آمدیم يك بار دیگر با قاطعیت تام حکم میکنم که روابط میان جهان اسلام با غیر مسلمان بر اصل متین صلح مبتنی بوده . که در صورت تعرض نظامی به سر زمین اسلامی در قالب حق دفاع مشروع وقانونی توجیه میشود . ودفاع مشروع نیز حقی است که در حقوق بین الملل هم پذیرفته شده است . وماده ۵۱ منشور سازمان ملل متحد نیز بدان تصریح نموده است.

همچنان اگر دین اسلام را دین کامل بدانیم منطقی است که در جنب مجموع مقررات اخلاقی وقواعد مورد نیاز زندگی ، به قواعد جنگی و صلح وروابط خارجی نیز پرداخته است ، زیرا در زندگی بشر از جنگ و صلح خلاصی نیست . مگر موجودیت چنین قواعد ومقرراتی در يك نظام حقوقی نمی تواند دلیلی بر دائمی بودن يك وضعیت در آن نظام دانست و چنین نتیجه گرفت که چون در اسلام جهاد فرض گردیده است پس مسلمانان

اسلام دین ترور نیست!

همواره در جنگ دائمی با غیر مسلمانان به سر می برند. همچنان قابل تذکر است که آیا ادیان دیگر همیشه در صلح زندگی کرده اند و هر گز دست به جنگ نزده اند؟ مگر در تاریخ مسیحیت جنگ متعددی برای مسیحی کردن دیگران صورت نگرفته است؟ آیا میتوان جنگ هایی را که مسیحیان براه انداخته اند به حساب دین حضرت عیسی علیه السلام که بحیث دین صلح یاد میگردد حساب کرد؟ بلی آنانی که میگویند که اسلام دین شمشیر است. اگر هدف شان از دین شمشیر آن باشد که این دین جهاد و بخصوص جهاد نظامی را بر پیروان خویش فرض گردانیده است و مفهوم جهاد را وسیعتر از جنگ با شمشیر میدانند در آن صورت سخن بجاء گفته اند. ولی اگر هدف شان این باشد که دین اسلام به زور شمشیر منتشر شده است در اشتباه اند، زیرا دین اسلام دین عقل و منطق، دین صلح، ترحم، گذشت و شفقت است. دین اسلام از راه عقل و منطق جهانشمول شده است.

دین اسلام پیروان خویش را همیشه به استدلال، منطق و برهان دعوت نموده میفرماید: (أدع الی سبیل ربك با لِحکمة و الموعظة الحسنة و جادلهم با لتي هي أحسن) (به راه پروردگارت با حکمت و پند های حسنه فراخوان، و با آنان به طریق و شیوه ای که بهتر است مجادله و مقابله کن) (نحل: ۱۲۵)

مسلمان کردن دیگران را به زور و جبر نمی توان دعوت مشرع بحساب آورد. داخل شدن دین به زور شمشیر در دل کسی ممکن نیست.

دعوت اسلام هیچگاه از روش مسالمت آمیز خویش که پیروی از رویه احسن که قرآن عظیم الشان و سنت پیامبر صلی الله علیه و سلم بدان تاکید ورزیده است و برای پیروان خویش بدان امر نموده است، دور نخواهد شد.

دین اسلام دین اعتقاد و باور قلبی است که با اراده و اختیار باید آنرا پذیرفت نه با قهر و غلبه و شمشیر دعوت اسلام منحصر به زبان نیست، بلکه در عمل باید نشان داد که دین اسلام دین صلح، صفا، دین رحمت و مرحمت است.

بلی اسلام دارای شمشیر است ولی برای دفاع و رفع موانع مشروع و داخل چوکات و اصول اسلامی، انسانی، دفاعی مراعات دیگر اصول قبول شده که از بخش آن در بالا یاد آوری کردم. دفاع و اشاعه دین مبین اسلام براساس دعوت و نه برای هجوم و غلبه بر دیگران مطرح است.

دین اسلام دین تروریست نیست.

تتبع و نگارش: الحاج امین الدین « سعیدی- سعید افغانی »

مدیر مرکز مطالعات ستراتیژیکی افغان

و مسؤل مرکز فرهنگي د حق لاره- جرمني

ادرس: saidafghani@hotmail.com

**Get more e-books from www.ketabton.com
Ketabton.com: The Digital Library**